

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۹

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۶

دفاع از احادیث نشانه‌های ظهور

محمدرضا سجادی طلب^۱

چکیده

برخی از محققان معاصر با استناد به پراکنده‌گویی در نشانه‌های ظهور، امکان تطبیق نشانه‌ها بر حوادث رخ داده در زمان صدور احادیث، وقوع برخی از نشانه‌ها، احتمال انطباق نشانه‌ها بر وقایع متعدد و نشانه‌های عجیب که باور به آن دشوار است، ادعا کرده‌اند، احادیث پرشمار نشانه‌های ظهور دچار آسیب جعل شده است؛ اما گردآوری کامل و جامع احادیث نشانه‌های ظهور و در کنار هم قرار دادن آن از یکپارچگی و هم‌پوشانی احادیث نسبت به یکدیگر خبر می‌دهد و تحلیل منصفانه روایات آشکار می‌سازد، نشانه‌های ظهور با هیچ یک از حوادث زمان صدور احادیث، شباهتی ندارد و نشانه‌های وقوع یافته، نشانه نزدیکی ظهورند و نه اصل ظهور و احتمال انطباق با روشی هوشمندانه از سوی ائمه علیهم‌السلام به قطعیت انطباق تبدیل می‌شود و نشانه‌های عجیب را می‌بایست تنها در بوته امکان قرار داد و باور به آن ضرورتی ندارد.

واژگان کلیدی

نشانه‌های ظهور، نشانه‌های حتمی، روایات سود، نفس زکیه، انطباق نشانه‌های ظهور.

۱. استادیار پژوهشگاه قرآن و حدیث (پژوهشکده علوم و معارف حدیث) قم (vahab344@gmail.com).

مقدمه

در میان احادیث مهدویت، احادیث نشانه‌های ظهور از پر شمارترین روایات آن به شمار می‌رود. احادیث یادشده در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت گردآوری شده است؛ اما احادیث شیعه هم از جهت تعداد و هم از جهت گستردگی نشانه‌ها به مراتب بیشتر از روایات اهل سنت است.

احادیث نشانه‌های ظهور شامل صدها روایت است که در میان آن‌ها بیش از ۴۰ روایت با سند معتبر، گزارش شده است. (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۲۰۹، ح ۲۵۴؛ ۲۲۴، ح ۲۸۵؛ ۲۶۴؛ ۳۸۱؛ ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ نعمانی، ۱۴۲۲: ق ۲۶۶، ۱۷، ۲۶۴؛ ح ۲۶، ۳۰۱؛ ح ۴ و ۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ق ۴۴۷، ح ۴۴۴؛ ۴۴۹، ح ۴۵۲؛ حمیری، ۱۴۱۳: ق ۱۲۳، ح ۴۳۲؛ صدوق، ۱۳۶۳: ش ۶۵۰، ح ۷) از این روایات ده‌ها نشانه استخراج می‌شود که پنج نشانه با صفت محتوم توصیف شده‌اند (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۰، ح ۷) و روایاتی با اسناد معتبر تمام آن‌ها را گزارش کرده است.^۱

با این حال در نگاه اولیه اشکالاتی در علائم، به چشم می‌خورد که این گمان را در برخی به وجود آورده که ممکن است، احادیث یاد شده گرفتار آفت جعل شده باشد.

اگرچه اشکالاتی که در پی می‌آید، دستاویز کسانی شده تا همه یا بخشی از احادیث نشانه‌های ظهور را مجعول بدانند و در پی آن اعتقاد شیعه به مهدویت را به چالش بکشند (برای نمونه ر.ک: موسوی، ۱۳۸۰: ش ۲۷۴ - ۲۸۲)؛ اما بررسی کامل و دقیق تر احادیث علائم، نادرستی اشکالات مذکور را نشان می‌دهد. نگارنده در این مقاله کوشیده، با تبیین صحیح روایات نشانه‌های ظهور پرده از نادرستی اشکالات آن بردارد.

پراکنده‌گویی

در مطالعه ابتدائی شماری از احادیث نشانه‌های ظهور، پراکنده‌گویی در آن جلب توجه می‌کند به گونه‌ای که خواننده ممکن است، گمان کند، امکان جمع احادیث و ارائه گزارشی گویا از آن وجود ندارد. پراکنده‌گویی ادعایی مربوط به نشانه‌های متصل به ظهور است که

۱. پنج نشانه حتمی عبارتند از یک: سفیانی (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۲۶۴، ح ۳۸۱؛ نعمانی، ۱۴۲۲: ۳۱۲، ح ۴) دو: خسف در بیداء (ر.ک: نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۷۲، ح ۲۶؛ حمیری، ۱۴۱۳: ۱۲۳، ح ۴۳۲) سه: قتل نفس زکیه (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۳۵، ح ۴۲۵) چهار: خروج یمانی (صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۰، ح ۷؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۲۶، ح ۴۲۷) پنج: ندای آسمانی (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۰، ح ۸؛ نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۶۶، ح ۱۷).

گزارش‌های روایی آن، واقعه‌ای داستان‌گونه را نقل می‌کند^۱ که هر یک از احادیث آن، روایت‌گر بخشی از داستان آن نشانه است؛ از این رو طبیعی است با استناد به یک یا چند روایت که از یک یا چند بخش یک داستان پرماجرا سخن می‌گویند، نتوان درباره تمام داستان به درستی داوری کرد و برای خواننده این گمان به وجود آید که روایات نشانه‌های ظهور از حوادث به هم پیوسته‌ای سخن نمی‌گویند.

به عبارت دیگر هر یک از احادیث نشانه‌های یاد شده، همانند قطعه‌ای از یک پازل می‌مانند که وقتی کنار هم قرار گیرند، داستان گویایی را روایت می‌کنند. همان‌گونه که یک یا چند قطعه از یک پازل نمی‌تواند تصویر کامل پازل را نشان دهد، یک یا چند روایت نیز نمی‌تواند، پرده از داستان کامل نشانه بردارد. برای اثبات پیوستگی گزارش‌های روایی نشانه‌های متصل به هم ظهور،^۲ چکیده‌ای از گزارش‌های روایی آن را می‌آوریم.^۳

چکیده گزارش نشانه‌های حتمی و رایات سود

پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام همزمان سه نشانه از نشانه‌های حتمی یعنی خروج سفیانی، یمانی و قیام سیدخراسانی رخ می‌دهد (ر.ک: مفید، ب، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۷۵؛ نعمانی، ۱۴۲۲: ۳۱۷، ح ۱۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۶، ح ۴۴۳؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۶۶۱، ح ۳۷۶). یمانی از یمن خروج می‌کند (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۵: ۳۳۰، ح ۱۶). از چندین گزارش روایی استفاده می‌شود که یمن در دوران قیام امام زمان علیه السلام یکی از پایگاه‌های یاوران مهدی علیه السلام است (ر.ک: حلی، ۱۳۷۰: ۱۹۸؛ طبری، ۱۴۱۳: ۶۵، ح ۴۵۰).

یمانی که از دوستداران خاندان اهل بیت علیهم السلام است (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۴: ۶۶۱، ح ۱۳۷۵)، از این خطه خروج می‌کند (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۵: ۳۳۰، ح ۱۶). خروج یمانی همزمان با خروج سفیانی و خراسانی است (ر.ک: مفید، ب، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۷۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۶، ح ۴۴۳). با توجه به متصل بودن خروج سفیانی و خراسانی با قیام امام زمان علیه السلام می‌توان نتیجه گرفت که یمانی نیز توفیق درک یآوری امام و در رکاب ایشان بودن را پیدا می‌کند.

سفیانی پس از خروج، درگیر جنگ‌های بسیاری شده و در تمام آن‌ها به پیروزی رسیده (ر.ک: نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۷۹، ح ۶۷؛ مفید، الف، ۱۴۱۴: ۲۵۶؛ عیاشی، بی‌تا: ج ۱، ۶۴، ح ۱۱۷؛

۱. مانند داستان پنج نشانه حتمی (سفیانی، یمانی، قتل نفس زکیه، خسف در بیداء، ندای آسمانی) و رایات سود.

۲. پنج نشانه حتمی (سفیانی، یمانی، قتل نفس زکیه، خسف در بیداء، ندای آسمانی) به همراه رایات سود، نشانه‌های متصل به ظهورند.

۳. نشانه‌های یاد شده، تنها نشانه‌های دارای داستان هستند.

۲۴۴، ح ۱۴۷)، بر شام، فلسطین، اردن، حلب و حمص تسلط می‌یابد و شامیان به اطاعت او در می‌آیند (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۱، ح ۱۱؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۲۸۲). پس از تسلط سفیانی بر منطقه شام و اطراف آن دو سپاه تشکیل داده، یکی را به سمت عراق و دیگری را به سوی مدینه روانه می‌سازد (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۵: ۸، ج ۱؛ طبری، ۱۴۱۳: ج ۲۲، ۱۲۹، ح ۲۲۰۸۲). سفیانی در عراق به دو شهر مهم کوفه و بغداد حمله می‌کند (ر.ک: نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۸۸، ح ۶۷؛ مفید، الف، ۱۴۱۴: ۲۵۶؛ عیاشی، بی‌تا: ج ۱، ۲۴۴ و ۱۴۷) و فجایع هولناکی را رقم می‌زند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۰، ح ۴۵۳؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۸، ۲۲۸). خبر کشتارهای سفیانی در شام و عراق باعث می‌شود بسیاری، خود را از سپاهیان سفیانی دور نگه دارند. از این شهر بسیاری از ساکنین مدینه پس از اطلاع از حرکت لشگریان سفیانی به سمت مدینه، از این شهر فرار می‌کنند (ر.ک: مروزی، ۱۴۱۴: ۱۹۹) که در این میان امام زمان علیه السلام که در آن زمان در آن شهر حضور داشته، به مکه پناه می‌برد (ر.ک: نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۸۸، ح ۶۷؛ مفید، الف، ۱۴۱۴: ۲۵۶؛ عیاشی، بی‌تا: ج ۱، ۲۴۴، ح ۱۴۷).

در مدینه افراد بسیاری توسط سپاه سفیانی کشته می‌شوند (ر.ک: مروزی، ۱۴۱۴: ۱۹۹). حادثه خونین مدینه سه روز و سه شب ادامه پیدا می‌کند (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۸، ۲۲۸؛ طبری، ۱۴۱۵: ج ۲۲، ۱۲۹، ح ۲۲۰۸۲). فرمانده سپاهیان سفیانی وقتی از پناه بردن امام مهدی علیه السلام به مکه خبر دار می‌شود، لشگری را به سمت مکه روانه می‌کند و زمین، آن‌ها را در منطقه‌ای بین مکه و مدینه به نام بیداء، به صورت معجزه‌آسایی در خود فرو می‌برد (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۸، ۲۲۸؛ طبری، ۱۴۱۵: ج ۲۲، ۱۲۹، ح ۲۲۰۸۲). این حادثه نقطه شروع پایان یافتن آشوب‌گری سفیانی است.

امام مهدی علیه السلام که به مکه پناه برده بود، اندکی پیش از قیام، یکی از یاران نزدیک خود را که از ذراری امام حسن علیه السلام است (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۵: ۳۳۰، ح ۱۶)، برای امتحان و دعوت أهل مکه به آن جا می‌فرستد؛ اما اهل مکه بر او هجوم آورده و او را بین رکن و مقام کشته (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۵: ۳۳۰، ح ۱۶)، یکی دیگر از نشانه‌های ظهور یعنی قتل نفس زکیه رخ می‌دهد (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۳۵، ح ۴۲۵؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۰، ح ۷). این اتفاق در زمان تسلط سفیانی بر شام واقع می‌شود و مکیان پس از کشتن او، سرش را به شام می‌فرستند. پس از این حادثه امام مهدی علیه السلام ظهور می‌نماید و گروهی از مردم با او بیعت کرده، هسته اولیه سپاه امام مهدی علیه السلام شکل می‌گیرد (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۲۲۴، ح ۲۸۵؛ نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۷۹، ح ۴۳).

همزمان با خروج سفیانی، انقلابی در شرق عراق (ایران کنونی) رخ می‌دهد (ر.ک: مفید، ب، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۷۵؛ نعمانی، ۱۴۲۲: ۳۱۷، ح ۱۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۶، ح ۴۴۳). ظلم و بی‌عدالتی در آن سامان، مردم را به ستوه می‌آورد. آنان که از رسیدن به حقوق‌شان از حکومت ناامید می‌شوند، تنها چاره را در مبارزه و قیام می‌بینند (ر.ک: نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۸۱، ح ۵۰؛ طبری، ۱۴۱۳: ۴۴۶، ح ۴۲۰) و از این‌جا انقلاب شرقی شروع می‌شود. عدالت‌طلبی و در پی حق بودن پشتوانه محکمی برای استواری ایشان در راه مبارزه با ظلم می‌شود و یاری خداوند نیز همراه آنان شده، مسیر پیروزی را به سرعت می‌پیماند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۳: ۴۴۶، ح ۴۲۰؛ حلی، ۱۴۰۸: ۹۱، ح ۱۵۷؛ ابن‌ماجه، بی‌تا: ج ۲، ۱۳۶۶، ح ۴۰۸۲). از رهبران انقلاب با نام‌های سیدحسینی (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۲۲۴، ح ۲۸۵)، سیدهاشمی (ر.ک: مروزی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۱۶ ح ۹۱۲ و ح ۹۱۳) و سیدخراسانی (ر.ک: نعمانی، ۱۴۱۴: ۳۰۱، ح ۶؛ ۲۵۹، ح ۱۸؛ مفید، ب، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۷۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۶، ح ۴۴۳) سخن رفته است. از آن‌جا انقلابیون یاد شده رنگ سیاه را برای پرچم خود برگزیده بودند، این قیام، به قیام رایات سود (پرچم‌های سیاه) نیز نام گرفته است.

سپاهیان سفیانی در عراق، پس از کشتار مردم کوفه و بغداد، با لشگریان سیدخراسانی مواجه شده، جنگ‌های متعددی میان آنان به وجود می‌آید. در تمام این جنگ‌های پراکنده، سپاهیان خراسانی پیروز جنگند.

سفیانی وقتی از شکست لشگریانش در برابر سیدحسینی مطلع می‌شود، سپاه بزرگی فراهم کرده و آن را روانه جنگ با خراسانیون می‌نماید. اهل خراسان نیز لشگری آماده ساخته روانه میدان نبرد می‌کنند. سپاه خراسانی در مسیر جنگ با سفیانی درگیری‌های پراکنده‌ای با وی پیدا می‌کند (ر.ک: مروزی، ۱۴۱۴: ۱۸۹-۱۹۰). فرمانده ارشد این سپاه جوانی به نام شعیب بن صالح است (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۶۴ ح ۴۷۹).

سیدخراسانی و سپاهیان در میانه راه با سپاهیان امام زمان علیه السلام برخورد می‌کنند، سیدخراسانی حسنی که از حقانیت امامت مهدی باخبر بوده (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳ ص ۱۵) برای این‌که لشگریانش نیز امامت امام زمان علیه السلام را باور کنند، از آن حضرت طلب نشانه امامت می‌نماید. اکثر سپاهیان سیدخراسانی وقتی نشانه امامت امام زمان علیه السلام را می‌بینند، به اطاعت او در می‌آیند؛ اما بخشی از سپاه که معجزه‌ها را نپذیرفته، با سپاهیان مهدی و سیدخراسانی به نبرد می‌پردازند و در این نبرد تار و مار می‌شوند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۶).

پس از این واقعه سپاهیان متحد امام مهدی علیه السلام و سیدحسینی به میدان نبرد با لشگریان سفیانی رهسپار می‌گردند. در این جنگ لشگریان سفیانی شکست خورده به سمت کوفه عقب‌نشینی می‌کند (ر.ک: مروزی، ۱۴۱۴: ۱۹۲ و ۱۹۷).

سفیانی که تا پیش از این، در نبردهای خارج از شام حضور نداشته است، سپاهی فراهم می‌نماید و با باقیمانده از سپاهیان به جنگ با امام زمان علیه السلام و سیدخراسانی می‌رود. این جنگ در اطراف کوفه اتفاق می‌افتد. در این جنگ نیز سفیانی شکست سختی می‌خورد و خود او به دست امام مهدی علیه السلام کشته می‌شود (ر.ک: عیاشی، بی‌تا: ج ۲، ۵۶ ح ۴۹).

سپاهیان مهدی پس از این پیروزی، هدف خود را فتح بیت المقدس قرار می‌دهند و به سمت آن سامان روانه می‌شوند. گزارشی از چگونگی جنگ آنان با حاکم یا حاکمان جائز در بیت المقدس وجود ندارد؛ اما نتیجه این جنگ یا جنگ‌ها، آزادی بیت المقدس است (ر.ک: مروزی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۴۹، ح ۱۰۰۹).

امکان تطبیق برخی از علائم بر پاره‌ای از وقایع زمان حضور امام علیه السلام

در زمان حضور ائمه، برخی، ادعای مهدویت کردند. گزارش‌های تعدادی از احادیث نشانه‌های ظهور با این وقایع، شباهت‌هایی دارد. این شباهت‌ها باعث شده عده‌ای گمان کنند، گزارش‌های این دسته از نشانه‌ها، توسط مدعیان مهدویت و یاران آنان جعل شده است. برای اثبات این ادعا به دو واقعه استناد شده است.

الف) یکی از نشانه‌های ظهور، پرچم‌های سیاهی است که از سوی خراسان آشکار می‌شود (ر.ک: مفید، ب، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۶۸؛ نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۶۰، ح ۸؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۵۲ ح ۴۵۷). احتمال انطباق این نشانه بر قیام سادات حسنی و بنی‌عباس بر ضد حکومت بنی‌امیه وجود دارد؛ زیرا آنان نیز در جنگ‌های شان از پرچم سیاه استفاده می‌کردند.

ب) بر اساس گزارش‌های روایی، یکی از نشانه حتمی ظهور کشته شدن نفس زکیه است (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۰، ح ۷؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۳۶، ح ۴۲۷). احتمال انطباق این نشانه بر یکی از خاندان اهل بیت علیهم السلام به نام محمدبن عبدالله که به نفس زکیه شهرت پیدا کرده، وجود دارد؛ زیرا او نیز قیام کرد و ادعای مهدویت نمود و در جنگ با حکومت بنی‌عباس کشته شد.

برخی پژوهشگران معاصر گمان می‌کنند دو نشانه مذکور ساخته دست جاعلان حدیث است (ر.ک: صادقی، ۱۳۸۵: ۱۱۷ و ۱۵۷). برای نشان دادن نادرستی اشکال فوق، می‌بایست دو

مصدق ادعایی، جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

۱. ارتباط احادیث رایات سود با قیام بنی عباس

براساس گزارش‌های معتبر روایی، پیش از ظهور، انقلابی گسترده رخ داده با قیام امام مهدی علیه السلام پیوند می‌خورد. این انقلاب را مردمانی در شرق رقم می‌زنند. نشانه لشگریان این قوم، پرچم‌هایی به رنگ سیاه است (ر.ک: ص ۳ «چکیده گزارش نشانه‌های حتمی و رایات سود»).

مقایسه داستان جنبش رایات سود و قیام بنی‌عباس بر ضد بنی‌امیه، نشان می‌دهد این دو واقعه تنها در رنگ پرچم شبیه یکدیگرند؛ اما وجوه افتراق فراوانی دارند، به‌گونه‌ای که نمی‌توان، قیام بنی‌عباس را بر واقعه انقلاب شرقی منطبق کرد. پاره‌ای از تفاوت‌های این دو واقعه به شرح ذیل است:

یک: قیام رایات سود در نهایت با قیام امام مهدی علیه السلام همراه می‌شود، حال آن‌که قیام بنی‌عباس چنین سرنوشتی پیدا نمی‌کند.

دو: براساس گزارش‌های روایی، ائمه، شیعیان را به همراهی با انقلاب شرقی ترغیب کرده‌اند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۳: ۴۴۶، ح ۴۲۰؛ حلی، ۱۴۰۸: ۹۱، ح ۱۵۷؛ اربلی، ۱۴۰۵: ج ۳، ۲۷۳)؛ ولی آنان پیروان‌شان را از همراهی با قیام بنی‌عباس منع می‌نمودند (ر.ک: نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۰۳، ح ۶).

سه: جنگ‌هایی پی در پی میان انقلابیون شرق و سفیانی گزارش شده است (ر.ک: ص ۳ «چکیده گزارش نشانه‌های حتمی و رایات سود»). حال آن‌که عباسیون هیچ جنگی با سفیانی نداشته‌اند. در آن زمان ائمه علیهم السلام به صراحت اعلام نمودند که سفیانی خروج نکرده است و آن را نشانه‌ای قرار دادند تا شیعیان به گمان قیام امام مهدی علیه السلام با بنی‌عباس همراه نشوند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۴: ۴۱۲، ح ۹۲۶).

تفاوت‌های فوق، بیانگر آن است که قیام بنی‌عباس نمی‌تواند بر قیام صاحبان رایات سود انطباق پیدا کند.

ب) بررسی اتحاد نفس زکیه با محمد بن عبدالله

براساس گزارش‌های معتبر و متعدد روایی، یکی از نشانه‌های حتمی ظهور، کشته شدن نفس زکیه است (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ۸، ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۰، ح ۷؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۳۶، ح ۴۲۷). نفس زکیه در احادیث نشانه‌های ظهور بر دو نفر اطلاق

شده است که نفر اول در نزدیکی کوفه به همراه هفتاد تن از یارانش کشته می شود و نفر دوم کسی است که ما بین رکن و مقام به شهادت می رسد (ر.ک: حلی، ۱۳۷۰: ۱۹۹). بررسی گزارش های نشانه ها بیانگر آن است که نفس زکیه ای که از نشانه های حتمی به شمار آمده، نفس زکیه، مقتول در مابین رکن و مقام است.

وی از سلسله جلیله سادات حسنی و از یاران امام مهدی علیه السلام است. امام مهدی علیه السلام در فاصله کوتاهی از قیام او را برای امتحان و دعوت اهل مکه به همراهی با قیام به آن جا می فرستد؛ اما اهل مکه او را دستگیر کرده و به شهادت می رسانند (ر.ک: ص ۳ «چکیده گزارش نشانه های حتمی و رایات سود»).

ادعای اتحاد نفس زکیه با محمدبن عبدالله - که به نفس زکیه شهرت داشت - به دلایلی که در پی می آید، صحیح نیست:

یک: بر اساس گزارش های علائم ظهور، محل شهادت نفس زکیه، شهر مکه و ما بین رکن و مقام است؛ اما محمدبن عبدالله در سال ۱۴۵ هـ در احجار زیت کشته شده است (ر.ک: مفید، ب، ۱۴۱۴: ج ۲، ۱۹۲؛ قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۷۶۶، ح ۸۵؛ ابوالفرج الاصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۵۷؛ ابن عنبه، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

دو: فاصله شهادت نفس زکیه تا زمان ظهور، بسیار کوتاه است. برخی گزارش های روایی از ۱۵ روز سخن گفته اند (ر.ک: مفید، ب، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۷۴؛ اربلی، ۱۴۰۵: ج ۳، ۲۵۹). ولی محمدبن عبدالله در سال ۱۴۵ هجری کشته شده است؛ بنابراین فاصله کشته شدن او با قیام امام مهدی علیه السلام به ده ها قرن می رسد.

سه: طرفداران محمدبن عبدالله، وی را مهدی موعود می دانستند. سادات حسنی و خاندان بنی عباس نیز با او به عنوان «مهدی» بیعت کردند (ر.ک: مفید، ب، ۱۴۱۴: ج ۲، ۱۹۰-۱۹۳) و پس از کشته شدن محمدبن عبدالله نیز طرفدارانش مرگ او را باور نکرده، ادعا کردند، وی در پس پرده غیبت قرار گرفته و به زودی ظهور می کند (ر.ک: نوبختی، ۱۳۵۵: ۶۲)؛ اما نفس زکیه ای که از نشانه های ظهور شمرده شده از یاران امام مهدی علیه السلام است نه خود آن حضرت.

و جوه افتراق میان نفس زکیه و محمدبن عبدالله حکایت از تعدد این دو شخص می کند؛ بنابراین ادعای اتحاد قابل پذیرش نیست.

نشانه های وقوع یافته

بر اساس گزارش های روایی در میان علائم ظهور، نشانه هایی وجود دارد که قرن ها از وقوع آن می گذرد برای نمونه یکی از نشانه های ظهور، اختلاف بنی عباس با یکدیگر و پایان یافتن

حکومت آنان است (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۲۲۴، ح ۲۸۵؛ نعمانی، ۱۴۱۴: ۲۷۸، ح ۴۲؛ ۲۷۹، ح ۴۳؛ ۲۸۹، ح ۶۷؛ ۳۱۴، ح ۹). این واقعه در قرن پنجم هجری وقوع یافته است؛ اما اکنون پس از گذشت قرن‌ها از آن حادثه، دوران غیبت همچنان ادامه دارد و ظهور امام مهدی علیه السلام تحقق نیافته است. چنین وقایعی در نگاه عرف نمی‌تواند نشانه ظهور امام مهدی علیه السلام به شمار آید.

درباره نشانه‌های وقوع یافته، پرسش این است که اگر فاصله زمانی میان وقوع نشانه با ظهور امام مهدی علیه السلام به سال‌ها بلکه قرن‌ها برسد، آیا اطلاق لفظ نشانه بر آن صحیح است؟ برای روشن‌تر شدن پرسش و پاسخ می‌بایست ابتدا گزارش‌های روایی واکاوی شود تا معلوم شود در احادیث و روایات، نشانه‌های ظهور، با چه الفاظی با ظهور امام مهدی علیه السلام پیوند خورده است.

نشانه‌های ظهور در احادیث اهل بیت علیهم السلام به صورت‌های ذیل گزارش شده است.

(الف) با الفاظ «علامت» (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ۲۷۴، ح ۴۱۲؛ ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۰، ح ۷؛ مفید، ب، ۱۴۱۴: ۲، ح ۳۷۲؛ نعمانی، ۱۴۱۴: ۳۱۱، ح ۳)، «آیه» (برای نمونه ر.ک: حلی، ۱۳۷۰: ۱۹۹؛ نعمانی، ۱۴۱۴: ۳۱۷، ح ۱۶؛ حلی، ۱۴۰۸: ۷۶، ح ۱۲۷)، «امارت» (برای نمونه ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۳، ح ۴۷۹) و مشتقات آن با قیام امام مهدی علیه السلام ارتباط داده شده‌اند. کتب لغت، واژه‌های «آیه» و «امارت» را هم معنای «علامت» دانسته (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ۱۳۹؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج ۱، ۶۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۴، ۳۳) و علامت را نشانه‌ای می‌دانند که برای راهنمایی نصب می‌شود (ر.ک: بستانی و فواد افرام، ۱۳۷۵: ۶۲۲؛ أبو هلال عسکری، ۱۴۱۲: ۲۳۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۲، ۴۱۹؛ فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۴۲۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۶، ۱۴۵)؛ بنابراین معنای نشانه‌هایی که با این الفاظ مشخص شده‌اند، حوادث و رویدادهایی است که بتواند راهنمای ظهور امام مهدی علیه السلام باشد.

(ب) از نشانه‌ها با عنوان حوادثی که پیش از قیام وقوع می‌یابند، یاد شده است. برای آشنایی با دسته دوم نمونه‌هایی از گزارش‌های را می‌آوریم.

اول: مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ علیه السلام:

مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ؟

محمد بن مسلم از امام باقر پرسش کرد: در چه زمان قائم شما قیام می‌کند؟

قَالَ: إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ، وَالنِّسَاءُ بِالرِّجَالِ... وَقُتِلَ غُلَامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسِ الرُّكْبِيَّةِ، وَجَاءَتْ صَبِيحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ

فِيهِ وَفِي شِيعَتِهِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا (صدوق، ۱۴۰۵: ۳۳۰، ح ۱۶)؛
 آن حضرت پاسخ داد: زمانی که مردان خود را شبیه زنان کنند و زنان خود را شبیه
 مردان و جوانی از آل محمد به نام محمدبن حسن ما بین رکن و مقام کشته شود و
 ندایی آسمانی زده شود به این که حق با امام مهدی و شیعیان اوست؛ در آن هنگام،
 قائم خروج می نماید.

دوم: الإمام الصادق عليه السلام:

مَسَّ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام مِنَ الْعَلَامَاتِ: الصَّيْحَةُ، وَالسُّفْيَانِيُّ، وَالْحَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ، وَ
 خُرُوجُ الْيَمَانِيِّ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۳۶، ح ۴۲۷)؛
 پیش از قیام قائم عليه السلام پنج علامت است: صیحه آسمانی، سفیانی، خسف در بیداء،
 خروج یمانی، و کشته شدن نفس زکیه.

سوم: الإمام الصادق عليه السلام:

إِنَّ الْقَائِمَ عليه السلام لَا يَقُومُ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ، تَسْمَعُ الْفَتَاةُ فِي خِدْرِهَا،^۱ وَيَسْمَعُ أَهْلُ
 الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۷۷، ح ۱۳۴)؛
 قائم عليه السلام قیام نمی کند تا زمانی که منادی از آسمان ندایی می دهد که زنان از پس
 سرپرده خانه هایشان آن را می شنوند و نیز اهل مشرق و مغرب شنونده آند.

چهارم: يعقوب السراج:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَتَى فَرَجُ شِيعَتِكُمْ؟ فَقَالَ: إِذَا اخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ... (کلبینی،
 ۱۳۶۳: ج ۸، ۲۲۴، ح ۲۸۵؛ نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۷۹، ح ۴۳)؛
 یعقوب سراج می گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: فرج شیعیان در چه زمانی فرا
 می رسد؟ پس آن حضرت فرمود: زمانی که بنی عباس دچار اختلاف شوند....

پنجم: الإمام الرضا عليه السلام:

قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ السُّفْيَانِيُّ، وَالْيَمَانِيُّ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۶۲، ح ۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲،
 ۲۳۳، ح ۹۹)؛
 پیش از قیام امام مهدی عليه السلام سفیانی و یمانی خروج می کنند.

ششم: الإمام الرضا عليه السلام:

إِنَّ هَذَا أَمْرٌ لَيْسَ بِكَائِنٍ إِلَّا بَعْدَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ (طبری، ۱۴۱۳: ۳۴۹، ح ۳۰۴)؛

۱. الخُدْرُ: ناحية في البيت يترك عليها ستر فتكون فيه الجارية البكر (ابن اثير، ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۳ «خدر»).

امر قیام امام مهدی علیه السلام وقوع نمی‌یابد مگر پس از خروج سفیانی.

اگرچه نشانه‌های ظهور در دسته دوم با واژه علامت، آیه و اماره همراه نشده‌اند؛ اما ظاهر پیوند خوردن آن‌ها با قیام امام مهدی علیه السلام به گونه‌ای است که دلالت بر نشانه و قرین هم بودن می‌کند.

ج) میان واقعه و قیام امام مهدی علیه السلام زمان مشخصی تعیین شده است. برای نمونه فاصله میان قتل نفس زکیه و قیام امام مهدی علیه السلام ۱۵ شب اعلام شده است (صدوق، ۱۴۰۵: ۶۴۹، ح ۲؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۵، ح ۴۴۰).

بنابر آن چه گذشت این نتیجه به دست می‌آید که نباید میان نشانه‌های ظهور و ظهور امام مهدی علیه السلام فاصله‌ای چندین ساله به وجود آید؛ پس اشکال تا این جا وارد است؛ اما آن چه می‌تواند اشکال را تا اندازه‌ای کم‌رنگ کند، آن است که تعداد نشانه‌هایی که به وقوع پیوسته‌اند بسیار اندک است و این تعداد اندک نمی‌تواند، خدشه‌ای در بحث گسترده نشانه ظهور به وجود آورد.

با این حال نشانه‌های وقوع یافته و به تعبیر دقیق‌تر نشانه‌های غیرمتصل با ظهور را می‌توان نشانه‌های نزدیکی ظهور دانست نه نشانه‌های اصل ظهور. توضیح این اجمال به شرح ذیل است:

رخدادهایی که در گزارش‌های روایی، با ظهور امام مهدی علیه السلام پیوند خورده‌اند، به واقع حادثی هستند که پیش از ظهور به وجود می‌آیند و نشانگر نزدیکی ظهورند نه اصل ظهور؛ از این رو ممکن است یک نشانه در سال‌های ابتدایی غیبت به وجود آید؛ اما نشانه دیگر با هزاران سال فاصله در سال‌های پایانی غیبت رقم خورد.

برای روشن شدن این توجیه به این مثال توجه کنید: شخصی را در نظر بگیرید که می‌خواهد از شهری به شهر دیگری مسافرت کند. وی پس از خارج شدن از شهر مبدأ با نشانه‌هایی مواجه می‌شود که هر یک، نزدیک شدن او را با شهر مقصد نوید می‌دهد. در نگاه او همان‌گونه که اولین نشانه، علامت نزدیک شدن به مقصد است. آخرین نشانه نیز علامت نزدیک شدن به مقصد شمرده می‌شود. هر چند در اصطلاح تنها آخرین نشانه، علامت مقصد شمرده می‌شود.

نشانه‌های غیرمتصل با ظهور امام مهدی علیه السلام نیز نویددهنده نزدیک شدن زمان ظهور آن حضرت به شمار می‌آیند. از این رو کسی که در زمان حاضر قرار دارد نباید نشانه‌های وقوع یافته را از دایره علائم ظهور خارج کند؛ زیرا این کار او مانند آن مسافری است که پس از طی بخشی از

مسیر، ادعا کند علامت‌های پشت سر گذاشته نشانه نیستند. همان‌گونه که به این شخص پاسخ داده می‌شود که نشانه بودن منزلگاه‌های پشت سر گذاشته از ابتدای سفر محاسبه می‌شود. در این جا نیز جواب می‌دهیم که نشانه‌های وقوع یافته نیز در آن زمان و برای مردمان آن دوران نشانه نزدیکی ظهور به شمار رفته، آنان را آگاه می‌کند که فاصله تا ظهور کمتر شده است.

احتمال انطباق بروقایع متعدد

برخی از نشانه‌های ظهور مانند خروج سفیانی، خسف در بیداء، خروج یمانی، قتل نفس زکیه و قیام سید خراسانی، قابلیت انطباق بر بیش از یک مصداق را دارند. نشانه‌های مذکور داستان علائم ظهور را به‌گونه‌ای روایت کرده‌اند که می‌توان وقایع مختلفی را با فرض احتمال بر آن منطبق کرد. احتمال انطباق، خاصیت نشانه بودن آن‌ها را از میان برده، نمی‌توانند دلالت بر ظهور یا نزدیکی آن نمایند.

از جمله مسائل مهم در بحث نشانه‌های ظهور، امکان انطباق نشانه‌ها بر مصداق واقعی آن است. ما در پاسخ به اشکال چهارم می‌پذیریم که هر یک از نشانه‌های ظهور به تنهایی می‌تواند بیش از یک مصداق داشته باشد. نیز می‌پذیریم که احتمال انطباق نشانه بر یک واقعه نمی‌تواند دلالت بر ظهور یا نزدیکی آن نماید؛ اما اولاً باید دید که آیا پیشوایان معصوم علیهم‌السلام تنها به دنبال انطباق قطعی بودند و احتمال انطباق هیچ کارکردی ندارد؟ ثانیاً آیا امکان دارد انطباق احتمالی با روشی به انطباق قطعی تبدیل شود؟

برای روشن ساختن بحث می‌بایست ابتدا در باره کارکردهای نشانه‌های ظهور سخن گفت تا معلوم گردد که آیا هر یک از کارکردهای آن، تنها با انطباق قطعی سازگار است؟ و یا این که احتمال انطباق نیز می‌تواند برخی از اهداف بیان نشانه‌های ظهور را محقق کند؛ پس از آن باید راه‌هایی را پی‌جویی کنیم که بتواند احتمال انطباق را به رتبه قطع ارتقاء دهد.

۱. کارکردهای نشانه‌های ظهور

اهدافی که ائمه علیهم‌السلام در معرفی نشانه‌های ظهور ممکن است به دنبال آن باشند به قرار ذیل است:

الف) شناسایی ظهور امام مهدی علیه‌السلام

یکی از اهدافی که ائمه علیهم‌السلام از طرح نشانه‌های به دنبال آن بودند. شناساندن ظهور امام مهدی علیه‌السلام است. این هدف از معنای «نشانه» گرفته شده که اولین و روشن‌ترین کارکرد نشانه

به شماری آید. دستیابی به این هدف در صورتی است که انطباق نشانه بر واقعه همراه با قطع و یقین باشد.

اگرچه برخی از نشانه‌های ظهور چون نشانه‌های وقوع یافته،^۱ و ندای آسمانی،^۲ مصادیق یقینی دارند؛ اما داستان گروه دیگری از نشانه‌ها مانند خروج سفیانی، خسف در بیداء، قتل نفس زکیه، خروج یمانی و قیام سیدخراسانی به گونه‌ای بیان شده که می‌توانند بر وقایع متعددی انطباق یابند؛ از این رو نشانه‌های یاد شده کارکرد اول نشانه‌های ظهور را ندارند.

ب) یادآوری ظهور و به وجود آوردن امید و انتظار

پیامبر ﷺ و جانشینان آن حضرت که پیش‌بینی می‌کردند، دوران غیبت امام مهدی ﷺ طولانی خواهد شد و ممکن است شیعیان و منتظران آن حضرت دچار یأس و ناامیدی شوند با طرح نشانه‌های ظهور کوشیدند نور امید را در قلوب شیعیان بتابانند. حکمت معرفی نشانه‌ها در دوره‌های مختلف را در این راستا می‌توان ارزیابی نمود. نشانه‌های مذکور هم می‌تواند ظهور امام مهدی ﷺ را در زمان‌های مختلف یادآوری نماید و هم فضیلت انتظار را در شیعیان و منتظران آن حضرت تقویت کند.

روشن است کارکرد دوم همان‌گونه که با انطباق قطعی سازگار است با انطباق احتمالی نیز هم‌خوانی دارد؛ بلکه در انطباق احتمالی با توجه به این‌که مصادیق متعدد می‌تواند داشته باشد، اثرگذاری این هدف بهتر و بیشتر است.

ج) رسوا شدن مدعیان مهدویت

پس از پیشگویی پیامبر ﷺ و ائمه اهل‌بیت در باره قیام امام مهدی ﷺ کسان بسیاری ادعای مهدویت کردند. این حادثه تلخ در زمان حضور ائمه اهل‌بیت نیز به وقوع پیوست و محمدبن عبدالله در زمان امام صادق علیه‌السلام ادعای مهدویت کرد (ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۲ ص ۱۹۰-۱۹۳). یکی از دلایلی که ائمه اهل‌بیت از آن کمک گرفتند تا شیعیان را از همراهی با چنین قیام‌های باطلی منع کنند، طرح بحث نشانه‌های ظهور بود.

آنان با این استدلال که هنوز بسیاری از نشانه‌های ظهور به‌ویژه نشانه‌های حتمی مانند

۱. مانند اختلاف بنی عباس و پایان دولت آنان (ر.ک: نعمانی، ۱۴۲۲: ۳۱۴، ح ۲۸۹: ۹، ح ۶۷: مفید، ب، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۷۲) و حکومت تاتارها بر بغداد (ر.ک: سید بن طاوس، ۱۴۱۶: ۳۶۹، ح ۵۴۱) و دچار شدن اهل عراق به ترسی که آرامش با آن جمع نمی‌شود (ر.ک: مفید، ب، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۷۸: طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۸۴: اربلی، ۱۴۰۵: ج ۳، ۲۶۱).
۲. توضیح چرایی قطعیت آن در ص ۱۳ آمده است.

خروج سفیانی واقع نشده است (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۴: ۴۱۲، ح ۹۲۶) کوشیدند، به شیعیان بفهمانند که وقت ظهور امام مهدی علیه السلام فرا نرسیده و قیام‌هایی که با ادعای مهدویت همراه شده، باطل است. در دوران غیبت نیز شیعیان می‌توانند این آموزه را آویزه گوش خود کنند و از همراهی با متمم‌دیانی که هر از چند گاه ظهور می‌کنند، خودداری کنند.

با توجه به این‌که این کارکرد، کارکردی سلبی است نه ایجابی یعنی نبود نشانه‌های ظهور چنین هدفی را محقق می‌سازد؛ بنابراین ممکن است همزمان با ادعای مهدویت متمم‌دیان، هیچ واقعه‌ای رخ نداده باشد که احتمال انطباق آن بر نشانه‌های ظهور وجود داشته باشد. به عبارت دیگر احتمال انطباق نشانه‌های ظهور یا قطعیت آن، نقشی در دستیابی به این هدف ندارد.

از آن‌چه گذشت روشن شد که کارکرد اول تنها با قطعیت سازگار است؛ اما کارکرد دوم را هم قطعیت انطباق و هم احتمال آن می‌تواند به وجود آورد. از این رو در پاسخ به پرسش اول که ائمه علیهم السلام در طرح نشانه‌های ظهور به دنبال انطباق قطعی بودند یا احتمالی، باید گفت که هر دو نوع انطباق می‌تواند تمام یا برخی از اهداف ائمه علیهم السلام را محقق سازد.

۲. راهکار ارتقاء احتمال انطباق به رتبه قطع

پیش از ورود به بحث، یادآوری نکاتی ضروری است:

الف) برخی از نشانه‌های ظهور چون خروج سفیانی، بمانی، خسف در بیداء، قتل نفس زکیه و قیام سیّد خراسانی، مصادیق یقینی را ندارند؛ اما احتمال دارد بر حوادث مختلفی انطباق یابند.

ب) بر اساس گزارش‌های روایی، در میان نشانه‌های ظهور، ندای آسمانی تنها نشانه‌ای است که اندکی پیش از قیام امام مهدی علیه السلام وقوع می‌یابد و همه انسان‌ها آن را می‌شنوند. امام صادق علیه السلام در باره ندای آسمانی می‌فرماید:

یسمع کل قوم بلسانهم (صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۰، ح ۸).

هرچند ندای آسمانی از نشانه‌های حتمی ظهور است و از طریق آن، همه انسان‌ها از ظهور امام عصر علیه السلام آگاهی می‌یابند؛ اما بر اساس گزارش‌های روایی، پس از ندای آسمانی، ندای دیگری زده می‌شود که ندای اول را تکذیب کرده، برخی انسان‌ها را به شک می‌افکند (ر.ک: نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۶۲، ح ۱۳؛ ۲۷۳، ح ۲۹؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۰، ح ۴؛ ۶۵۲، ح ۱۳).^۱ بر اساس

۱. البته بسیاری از یاوران با ایمان امام مهدی علیه السلام دچار شک نمی‌شوند.

گزارش‌های روایی خداوند برای زدودن این تردید نشانه‌های دیگری قرار داده است؛ بنابراین باید راهی برای انطباق قطعی نشانه‌های دیگر بیابیم.

(ج) پی‌جویی راهی که انطباق احتمالی را به انطباق قطعی تبدیل کند، تنها در نشانه متصل به ظهور کارکرد دارد؛ زیرا شناخت قطعی نشانه‌هایی که با ظهور امام مهدی عج فاصله دارد، تنها نویددهنده نزدیکی زمان ظهور است نه اصل ظهور؛ بنابراین در این بحث به دنبال روشی هستیم که احتمال انطباق در نشانه‌های متصل را به رتبه قطع افزایش دهد.

پس از بیان نکات به اصل بحث باز می‌گردیم. آیا راهی وجود دارد که احتمال انطباق را در برخی نشانه‌ها مانند چهار نشانه حتمی (غیر از نداء) و قیام سید خراسانی به درجه قطع رساند؟ پاسخ این پرسش در گرو دقت و تأمل در گزارش‌های روایی نشانه‌های ظهور و قیام امام مهدی عج است.

بر اساس گزارش‌های روایی، ظهور امام مهدی عج و نشانه‌های متصل به آن مجموعه‌ای واحد و به هم پیوسته‌اند که با یکدیگر وقوع می‌یابند.^۱ گزارش‌های روایی قیام امام مهدی عج و نشانه‌های ظهور، از داستان بلند و جامعی سخن می‌گویند که قیام امام عصر عج و نشانه‌های ظهور عناصر تشکیل‌دهنده آن به شمار می‌روند.

بنابراین امکان ندارد، سفیانی خروج کند؛ اما سید خراسانی قیام نکند. نفس زکیه کشته شود؛ اما پیش از آن واقعه خسف رخ نداده باشد. اگر چه ممکن است نتوان برای هر یک از عناصر تشکیل‌دهنده این مجموعه یا داستان واحد، مصداق قطعی پیدا کرد؛ اما بدون تردید تمام عناصر این مجموعه بیش از یک مصداق ندارد.

به عبارت دیگر پس از قیام امام مهدی عج ارتباط دو سویه‌ای میان ظهور و نشانه‌های آن به وجود می‌آید. از یکسو قیام امام مهدی عج سبب ارتقاء احتمال انطباق در نشانه ظهور شده، مطابق قطعی آن آشکار می‌شود و از سوی دیگر نشانه‌های قطعیت یافته ظهور سبب شناسایی قیام امام مهدی عج می‌شوند. تصویر روشن از حوادث پیش و پس از ظهور چنین است:

پس از آن که ندای آسمانی مردم را به همراهی با امام مهدی عج دعوت می‌کند ندای دیگری آن را تکذیب کرده، برخی از انسان‌ها را در وادی حیرت فرو می‌برد. این شک به اصل ظهور

۱. در شماری از روایات نشانه‌های حتمی و متصل با تعبیری مانند «خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عج مِنَ الْعَلَامَاتِ» به صورت مجموعه‌ای معرفی شده‌اند (برای نمونه رک: کلینی، ۱۳۶۳: ج ۳، ۳۱۰، ۴۸۳؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۰، ۷؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۳۶، ۴۲۷؛ نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۶۱، ۹).

سرایت می‌کند.

در این جا خداوند برای از بین بردن تردید راه دیگری را برای آگاهی از قیام امام مهدی علیه السلام به یاوران امام مهدی علیه السلام نشان داده است. آن راه مجموعه نشانه‌های متصل به ظهور به همراه ظهور امام مهدی علیه السلام است. منتظر ظهور باید ببینند که پیش از نداء، وقایعی رخ داده که قابلیت انطباق بر نشانه‌های متصل را داشته باشد؟ آیا پس از ندای آسمانی کسی ادعای مهدویت کرده است؟ آیا این مجموعه به هم پیوسته شکل گرفته است؟ اگر چنین بود آن‌گاه یقین به ظهور امام مهدی علیه السلام پیدا می‌شود. و این یقین به تمام نشانه‌های دیگر سرایت می‌کند.^۱

به عبارت گویاتر نشانه‌های ظهور امام مهدی علیه السلام دو گونه‌اند:

یک: نشانه‌ای که پیش از ظهور، مصداق قطعی پیدا می‌کند، مانند ندای آسمانی.

دو: نشانه‌هایی که هر یک به تنهایی، پیش از ظهور مصداق قطعی نداشتند؛ اما مجموع آن‌ها به کمک ظهور از رتبه احتمال به درجه قطع ارتقاء می‌یابند.^۲

پس از یک سو قیام امام مهدی علیه السلام و نشانه‌های دیگر احتمال انطباق را از نشانه‌ای مانند خروج سفیانی به قطعیت انطباق تبدیل می‌کند. و از سوی دیگر خروج سفیانی به همراه نشانه‌های دیگر، سبب شناختن قیام امام عصر علیه السلام شد.^۳

از آن چه گذشت این نتیجه به دست می‌آید که ائمه علیهم السلام نشانه‌های ظهور را با هنرمندی ویژه‌ای معرفی کرده‌اند. آنان از یک سو داستان هر یک از نشانه‌ها را به گونه‌ای طرح کرده‌اند که می‌تواند بیش از یک مصداق داشته و در زمان‌های مختلف بر وقایع متعدد قابل انطباق باشد؛ بنابراین کارکرد دوم یعنی یادآوری ظهور و ایجاد امید و انتظار در همه زمان‌ها به وجود آید و از سوی دیگر مجموعه علائم به همراه قیام تنها یک مصداق داشته باشد که حلقه آخر آن قیام امام عصر علیه السلام است.

بنابراین با این روش هم تمام نشانه‌ها پس از تجمیع با قیام امام عصر علیه السلام کارکرد اول را پیدا

۱. هر چند ممکن است شماری از انسان‌ها از دور راه رسیدن به یقین به ظهور امام مهدی علیه السلام بازمانند و از راه‌های دیگری مانند اعجاز، به ظهور امام مهدی علیه السلام پی ببرند. گو اینکه ممکن است در میان کسانی که به ظهور امام مهدی علیه السلام اطمینان پیدا می‌کنند، گروهی از همراهی با آن حضرت سر باززنند. لازم به ذکر است که نگارنده تلاش کرده شبهه «احتمال انطباق نشانه‌های متصل به ظهور بر وقایع متعدد» را پاسخ دهد و امکان آگاهی یافتن از ظهور امام مهدی علیه السلام از طرق دیگر مانند اعجاز را نفی نمی‌کند.

۲. مقصود نگارنده آن است که مجموعه نشانه‌های متصل به ظهور و قیام امام مهدی علیه السلام یک مصداق روشن و قطعی دارند.

۳. در اصطلاح علم اصول، قیام امام مهدی علیه السلام شرط متأخر شناخت قطعی نشانه‌های متصل به شمار می‌رود.

می‌کند و هم پیش از به وجود آمدن حلقه آخر یعنی ظهور امام مهدی علیه السلام احتمال انطباق بر وقایع متعدد اثربخشی بیشتری در کارکرد دوم دارند.

نشانه‌های عجیب

برخی گزارش‌های روایی از وقایع بسیار عجیبی سخن می‌گویند که نپذیرفتن آن آسان‌تر از باور به آن است. برای نمونه در یک گزارش روایی، کشته شدن دو سوم جمعیت جهان از نشانه‌های ظهور شمرده شده است. شیخ طوسی روایت یاد شده را با سند معتبر از محمد بن مسلم و ابوبصیر از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است:

لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ، فَقُلْنَا: إِذَا ذَهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ فَنَنْبَقِي؟ فَقَالَ: أَمَا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۳۹، ح ۲۸۶؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۵، ح ۲۹)؛

امر قیام امام مهدی علیه السلام محقق نمی‌شود مگر آن‌که دو سوم مردم جهان از میان بروند. پس به آن حضرت عرض کردیم: اگر دو سوم مردم از میان بروند چه کسی باقی می‌ماند؟ آن حضرت فرمود: آیا راضی نمی‌شوید که در میان یک سوم باقیمانده باشید؟

لازمه این نشانه آن است که اگر امام مهدی علیه السلام اکنون ظهور نمایند با توجه به جمعیت هفت میلیاردی جهان بیش از چهار میلیارد کشته شوند. پاسخ اشکال فوق را در دو مرحله ارائه می‌کنیم:

مرحله اول: با توجه به آن‌که حدیث فوق دارای سند معتبر است، طبق مبنای مشهور باید آن را پذیرفت. بنابراین سه احتمال پیش روی قرار می‌گیرد.

یک: ظاهر روایت را بپذیریم و معتقد شویم، پیش از ظهور، حوادث خون‌باری رخ می‌دهد که در آن دو سوم جمعیت جهان کشته می‌شوند. این حوادث انتظار مردم را برای ظهور منجی به بالاترین درجه برده، زمینه ظهور امام مهدی علیه السلام را فراهم می‌کند.

دو: با توجه به آن‌که ظاهر حدیث از حادثه‌ای عجیب و باور نکردنی سخن می‌گوید، نمی‌توان آن را پذیرفت، از این رو باید آن را به صورت شایسته‌ای توجیه کرد. توجیهات ذیل مناسب به نظر می‌رسد:

توجیه اول: مقصود از کشته شدن دو سوم جمعیت جهان، در طول دوران غیبت است، به این معنا که دو سوم جمعیت جهان از زمان غیبت امام مهدی علیه السلام تا زمان ظهور

محاسبه می‌شود.^۱

توجیه دوم: مراد از «یذهب» در روایت، کشته شدن نیست، بلکه مقصود خارج شدن از دایره یاران امام زمان علیه السلام است. شاهد این توجیه ذیل روایت است که امام صادق علیه السلام خطاب به راوی می‌فرماید: «آیا راضی نمی‌شوید که در میان یک سوم باقیمانده باشید؟» معنای این جمله آن است که قرار گرفتن در میان یک سوم باقیمانده، امری ممدوح و رضایت بخش است، حال آن‌که اگر مراد از «یذهب» کشته شدن باشد، قرار گرفتن در میان یک سوم باقیمانده در صورتی سبب رضایت می‌شود که انسان یقین کند از یاران امام زمان علیه السلام است و نه از دشمنان آن حضرت.

مرحله دوم: گمان نگارنده رساله آن است که پذیرش روایاتی که از اموری عجیب خبر می‌دهند که از باور عمومی انسان‌ها بسیار فاصله دارد با یک یا چند روایت معتبر امکان‌پذیر نیست؛ زیرا دلیل حجیت خبر واحد اطمینان یافتن به صدور آن است و به خبر واحدی که از حوادث عجیب سخن می‌گوید، نمی‌توان اطمینان پیدا کرد. اطمینان به صدور چنین روایتی نیاز به روایات و قرائن بیشتری دارد. بنابراین این‌گونه نشانه‌های عجیب را نه می‌توانیم انکار کنیم و نه به آن باور پیدا نمائیم.

نتیجه‌گیری

۱. احادیث نشانه‌های ظهور از داستان کامل، جامع و روشنی سخن می‌گویند؛ از این رو ادعای پراکندگی درباره آن پذیرفتنی نیست.
۲. احادیث رایات سود و نفس زکیه هیچ شباهتی با قیام بنی‌عباس و خروج محمدبن عبدالله بن الحسن ندارد.
۳. نشانه‌های وقوع یافته از نزدیک شدن زمان ظهور خبر می‌دهند، از این رو ممکن است ظهور امام مهدی علیه السلام قرن‌ها پس از آن رخ دهد.
۴. هرچند رایات سود و هر یک از نشانه‌های حتمی ممکن است بر وقایع متعدد، انطباق یابند؛ اما مجموع آن‌ها به همراه قیام امام مهدی علیه السلام بیش از یک مصداق ندارد.
۵. به اندک روایاتی که از حوادثی عجیب خبر می‌دهند، نه می‌توان اطمینان پیدا کرد و آن را پذیرفت و نه آن را انکار نمود.

۱. به عبارت دیگر به تعداد دو سوم جمعیت جهان در زمان ظهور، در ده‌ها قرن پیش از آن کشته شده‌اند.

منابع

- ابن اثير، محمد بن مبارك، *النهاية في غريب الحديث*، تحقيق: طاهر أحمد زاوي و محمود محمد طناحي، چاپ چهارم: قم، انتشارت مؤسسة إسماعيليان، ١٣٦٤ ش.
- ابن بابويه، علي بن حسين، *الإمامة والتبصرة*، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، انتشارات مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، چاپ اول، ١٣٦٣ ش. ١٤٠٤ق.
- ابن عنبة، احمد بن علي، *عمدة الطالب*، تحقيق: محمد حسن آل طالقاني، النجف، انتشارات المطبعة الحيدرية، چاپ دوم، ١٣٨٠ ق - ١٩٦١ م.
- ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاييس اللغة*، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، بي جا، انتشارات مكتبة الإعلام الإسلامي، ١٤٠٤ق.
- ابن ماجة، محمد بن يزيد قزويني، *سنن ابن ماجة*، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، انتشارات دار الفكر، بي تا.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، قم، انتشارات نشر ادب الحوزة، ١٤٠٥ق.
- ابو الفرج الاصفهاني، علي بن الحسين، *مقاتل الطالبين*، النجف، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥ق / ١٩٦٥ م.
- أبو هلال عسكري، حسن بن عبد الله، *الفروق اللغوية*، قم، انتشارات مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ اول، ١٤١٢ق.
- اربلي، علي بن عيسى، *كشف الغمة*، بيروت، انتشارات دار الأضواء، چاپ دوم، ١٩٨٥ م / ١٤٠٥ق.
- بستاني و فواد افرام، فرهنگ *ابجدی*، تهران، انتشارات اسلامي، چاپ دوم، ١٣٧٥ ش.
- حلي، حسن بن سليمان، *مختصر بصائر الدرجات*، النجف، انتشارات المطبعة الحيدرية، چاپ اول، ١٩٥٠ م / ١٣٧٠ق.
- حلي، علي بن يوسف، *العدد القوية*، تحقيق: سيد مهدي رجائي، قم، انتشارات كتابخانه آية الله المرعشي، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
- حموي، ياقوت بن عبد الله، *معجم البلدان*، بيروت، انتشارات دار إحياء التراث العربي، ١٣٩٩ق / ١٩٧٩ م.
- حميري، عبد الله بن جعفر، *قرب الاسناد*، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، انتشارات مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ١٤١٣ق.
- سيد بن طاوس، علي بن موسى، *التشريف بالمتن في التعريف بالفتن*، قم، انتشارات مؤسسة

- صاحب الأمر عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- صادقى، مصطفى، *تحليل تاريخى نشانه هاى ظهور*، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
- صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، *كمال الدين وتمام النعمة*، انتشارات مؤسسة النشر الإسلامى، قم، ۱۳۶۳ش / ۱۴۰۵ق.
- طبرسى، احمد بن على، *اعلام الورى بأعلام الهدى*، قم، انتشارات مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- طبرسى، فضل بن حسن، *مجمع البيان*، تحقيق: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، بيروت، انتشارات مؤسسة الأعلمى، چاپ اول، ۱۹۹۵ م ۱۴۱۵ق.
- طبرى، محمد بن جرير، *تفسير الطبرى*، تحقيق: صدقى جميل عطار، بيروت، انتشارات دار الفكر، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م.
- _____، *دلائل الامامة*، تحقيق: مؤسسة البعثة و قسم الدراسات الإسلامية، قم، انتشارات مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ق.
- طوسى، محمد بن حسن، *الأمالى*، تحقيق: مؤسسة البعثة و قسم الدراسات الإسلامية، قم، انتشارات دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- _____، *الغيبه*، تحقيق: عبادالله طهرانى و على احمد ناصح، قم، انتشارات مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- عياشى، محمد بن مسعود، *تفسير العياشى*، تحقيق: سيدهاشم رسولى محلاتى، تهران، انتشارات المكتبة العلمية الإسلامية، بى تا.
- فيصل نور، *الامامة والنص*، انتشارات دار الصديق، صنعاء يمن، ۱۴۲۵ق.
- فيومى، أحمد بن محمد، *المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى*، انتشارات مؤسسة دار الهجرة، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- قطب الدين راوندى، سعيد بن هبة الله، *الخرائج والجرائح*، تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، انتشارات مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- كلىنى، محمد بن يعقوب، *الكافى*، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران، انتشارات دارالكتب الإسلامية، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ش.
- مجلسى، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بيروت، انتشارات دار احياء التراث العربى، چاپ دوم، ۱۹۸۳م / ۱۴۰۳ق.

- مروزی، نعیم بن حمّاد، *الفتن*، تحقیق: سهیل زکّار، بیروت، انتشارات دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الاختصاص*، تحقیق: علی اکبر غفاری و سید محمود زرنندی، بیروت، انتشارات دارالمفید، چاپ دوم، ۱۹۹۳ م / ۱۴۱۴ ق.
- _____، *الإرشاد*، تحقیق: مؤسسة آل البيت عليه السلام لتحقیق التراث، بیروت، انتشارات دارالمفید، چاپ دوم، ۱۹۹۳ م / ۱۴۱۴ ق.
- موسوی، سید عبدالرحیم، *الامامة والنصر*، مجمع جهانی اهل بیت عليه السلام، قم، اول، ۱۳۸۰ ش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، تحقیق: فارس حسون کریم، قم، انتشارات انوار الهدی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- نوبختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعة*، تحقیق: سید محمدصادق آل بحر العلوم، النجف، انتشارات المكتبة المرتضوية، ۱۳۵۵ ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی